

درآمدی بر ظرفیت‌سنجی تمدنی آیات فقهی قرآن

* محسن الویری

** یونس غفاری پور

چکیده

آیات فقهی قرآن به عنوان بخشی از آموزه‌های دینی و نیز سرچشمه اولیه دانش فقه افزون بر تعیین تکلیف مکلفان دارای پیامدها و کارکردهای اجتماعی هم است. این پیامدها به صورت مستقیم و غیرمستقیم نظام‌های مختلف تشکیل دهنده یک جامعه را از خود متأثر می‌سازد و اثرپذیری نظام‌ها از این مؤلفه‌ها به نوبه خود به اثرپذیری یک تمدن از آنها می‌انجامد. این نوشتار با مبنا قرار دادن تقسیم‌بندی مرحوم شهید صدر از مباحث فقهی؛ یعنی تقسیم فقه به چهار باب اصلی عبادات، اموال، آداب شخصی و آداب عمومی با چند زیرشاخه فرعی، کوشیده است دلالت‌های اجتماعی و بالمآل تمدنی آیات فقهی قرآن را بر سه نظام منتخب؛ یعنی نظام فرهنگی و نظام سیاسی و نظام اقتصادی مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های این تحقیق حکایتگر آن است که این آیات دربردارنده انبوهی از کارکردهای اجتماعی و تمدنی است که می‌توان آن را ظرفیت تمدنی نامید.

واژگان کلیدی

قرآن، آیات الاحکام، فقه، تمدن، تمدن اسلامی.

alvirim@gmail.com

*. دانشیار دانشگاه باقرالعلوم قم.

** دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم.

ghafaripur@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۶

طرح مسئله

بازخوانی بنیادها، ابعاد، سیر تحول و سازوکار تمدن پیشین اسلامی و کوشش برای کاربست دوباره آنها چه‌بسا بتواند جان تازه‌ای به فرایند شکل‌گیری تمدن جدید اسلامی بدهد. یکی از محوری‌ترین پرسش‌ها درباره تمدن پیشین اسلامی این است که این تمدن با شکوه، متأثر از چه عواملی شکل گرفت؟ سهم دین اسلام در تحقق این تمدن چه بوده است؟ آیا می‌توان گفت این تمدن یکسره برگرفته از آموزه‌های دینی بوده است؟ آیا همراه با مستشرقانی همچون آندره میکل و اندیشمندانی چون شهید مطهری^۱ و زرین کوب^۲ عامل اصلی این شکوفایی را باید در اندیشه‌های اسلامی جستجو کرد؟ یا می‌توان هم صدا با شرق‌شناسانی چون «بارتولد»^۳ به راحتی و صراحت نقش دین را در تمدن اسلامی نادیده گرفت و بنیاد شکل دهنده آن را عناصری همچون ارتباطات پیش آمده بین ملل و اقوام قلمداد کرد؟^۴ و یا می‌توان نگاهی توأمان به این موضوع داشت؟

اگر تأثیر اسلام و آموزه‌های اسلامی بر تمدن - چه به‌عنوان تنها عامل یا یکی از عوامل مؤثر - پذیرفته شود، آنگاه این پرسش در سطحی خرد درباره میزان و چگونگی تأثیر اجزای اسلام، مانند قرآن و روایات و دانش‌های اسلامی نیز رخ خواهد نمود. درحالی‌که گوستاو لوبون بر این باور است که «همان‌گونه که سهم کتاب مقدس در تحقیقات علمی حاضر ما کم می‌باشد، سهم قرآن هم در مسائل علمی و فلسفی که مسلمین در دنیا شایع و منتشر ساختند، کم بوده است»^۵. در مقابل شخصیت‌هایی مانند امام خمینی معتقدند که «قانون اسلام در طرز تشکیل حکومت و وضع قانون مالیات و وضع قوانین حقوقی و جزایی و آنچه مربوط به نظام مملکت است، از تشکیل قشون گرفته تا تشکیل ادارات، هیچ چیز را فروگذار نکرده است»^۶.

این نوشتار با این پیش‌فرض که آموزه‌های دین اسلام نقش تعیین‌کننده و محوری در تمدن پیشین اسلامی داشته است، می‌کوشد بخشی از این آموزه‌ها؛ یعنی فقه اسلامی را از این منظر مورد توجه قرار دهد و نشان دهد که مباحث فقهی از چه ظرفیتی برای اثرگذاری بر تمدن برخوردار است.

۱. ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۳، ص ۶۲۷.

۲. زرین کوب، کارنامه اسلام، ص ۲۲.

3. Vasily Vladimirovich Bartold.

۴. بارتولد، فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۳.

۵. لوبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۷۵۴.

۶. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۸۴.

این بررسی بیش از آنکه یک تحلیل تاریخی باشد، یک تأمل معرفتی و کلامی است که هرچند گاه به تجربه تمدنی پیشین مسلمانان هم استناد می‌کند، ولی یافته‌های آن برای نقش آفرینی مؤثرتر در مدیریت تمدن جدید اسلامی هم می‌تواند به کار آید.

لازمه این بررسی - که به راستی باید آن را گام نخست در این مسیر شمرد - توضیحی مقدماتی درباره دو مقوله فقه و تمدن است.

الف) فقه اسلامی

فقه در لغت به دانستن چیزی و فهم آن^۱ یا فهم دقیق همراه با تأمل^۲ و یا فهم دین^۳ تعبیر شده، اما در اصطلاح: «فقه نام دانشی از دانش‌های مدون به معنای معرفت به احکام شرعی عملی به واسطه دلایل تفصیلی است، البته فقه، معنای دیگری هم دارد که شامل همه علوم دینی می‌شود و به همین جهت ابوحنیفه کلام را فقه اکبر نامیده است.»^۴ فقه به معنای خاص خودش پس از هجرت پیامبر و نزول آیات الاحکام در مدینه رایج شد و تا قبل از آن از فقه، مفهوم عام آن شامل اصول اعتقادی، فروع عملی و امور اخلاقی اراده می‌گردید.^۵ بنابراین اصطلاح فقه به معنای عام و همچنین اصطلاح فقیه، اصطلاحات جدیدی نیستند، بلکه از ابتدای پیدایش اسلام رایج بوده‌اند.^۶

فقه بر حسب موضوعات احکام دارای تقسیم‌بندی‌های مختلف است. این تقسیم‌بندی نیز در گذر ایام تحول داشته است.^۷ بررسی این تحولات را باید به فرصتی دیگر وانهاد، ولی باید به‌ناچار یکی از تقسیم‌بندی‌ها را برای سهولت بررسی ظرفیت تمدنی فقه برگزید. تقسیم‌بندی منتخب این مقاله، دسته‌بندی فقهی پیشنهادی مرحوم آیت الله شهید محمد باقر صدر است که در نمودار شماره ۱ ارائه شده است.^۸ معیار گزینش این دسته‌بندی، جدید بودن و نیز تناسب بیشتر آن با مباحث اجتماعی و تمدنی است.

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۵۲۲؛ قیومی، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۴۷۹.

۲. عسگری، الفروق فی اللغة، ص ۶۹.

۳. فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۳۷۰.

۴. تهبانوی، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۲، ص ۱۲۸۲.

۵. جناتی، الفقه الاسلامی الامامی، نشأته، عوامل تطوره، ادواره، ص ۴۱.

۶. همان، ص ۳۸.

۷. مدرسی طباطبایی، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، کلیات و کتاب‌شناسی، ص ۲۸ - ۲۰.

۸. صدر، الفتاوی الواضحه، ص ۹۹.

طی اعصار و قرون گذشته توسعه و تکامل یافته و در تمام قسمت‌های یک جامعه یا چند جامعه که با هم ارتباط دارند رایج است، مثل تمدن مصر، تمدن یونان، تمدن ایران که هر کدام دارای ویژگی‌هایی است که به عوامل جغرافیایی و تاریخی و تکنیکی خاص خود بستگی دارد.^۱ بنابراین، تمدن اسلامی را می‌توان نتیجه تلاش‌های علمی و عملی مسلمانان در قرون گذشته و در جوامع گوناگون دانست که به ایجاد علوم، فنون، مؤسسات و مظاهر فرهنگ اسلامی منجر گشته است.

هر تمدنی متشکل از مؤلفه‌ها و اجزای سازنده مختلفی است، این مؤلفه‌ها در کنار هم نظام‌های تمدنی را تشکیل می‌دهند و در واقع تمدن متشکل از همین مجموعه نظام‌هاست. نقش و میزان اثرگذاری این مؤلفه‌ها و به دنبال آن نظام‌ها «در» و «بر» یک تمدن یکسان نیست و در واقع بسته به اینکه تمدن بر چه اساسی شکل گرفته باشد، از هر یک از این مؤلفه‌ها استفاده می‌کند. دانشمندان همچنان در پیوستگی و چندگانگی این مؤلفه‌ها و نظام‌ها نگاه یکسانی ندارند و این تفاوت نگاه‌ها به ارائه نظریه‌های مختلفی درباره عناصر تمدنی شده است؛ به گونه‌ای که برخی، مؤلفه‌های تمدن را شامل عناصری چون «قوانین و مقررات، دولت، خط و الفبا، اشکالی از هنر، زبان، معتقدات دینی و سعی برای تکامل علوم» را عناصر اصلی آن دانسته و در این میان برخی نیز تنها چهار رکن اساسی «پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاق و کوشش در راه معرفت و بسط هنر» را برای شکل‌گیری تمدن لازم شمرده‌اند.^۲

در واقع هر تمدنی دارای مجموعه نظام‌های اجتماعی همچون نظام اقتصادی، نظام فرهنگی و نظام سیاسی است و اساساً همین نظام‌ها هستند که تمامیت یک تمدن را تشکیل می‌دهند. البته هر یک از نظام‌های تمدنی دارای یک بعد نظری و یک بعد عملی و اجتماعی هستند. مثلاً نظام اخلاقی یا نظام دینی و یا نظام سیاسی و اقتصادی هر یک دارای ابعاد فکری هستند. در مقابل هر یک هم از ابعاد عینی و عملی برخوردارند که برخاسته از همان ابعاد فکری و اندیشه‌ای می‌باشند که تمدن را شکل می‌دهند.^۳ این تقسیم‌بندی حکایتگر آن است که سطح و وجه اندیشگی نظام‌ها، وظیفه ترسیم چشم‌انداز رشد تمدن را برعهده دارند و این امر به نوبه خود بر شکل‌گیری وجه واقعی و عینی نظام‌ها که مجموعه‌ای از قوانین و مقررات و سازمان‌ها و روابط است، اثر می‌گذارد. به‌عنوان مثال در تمدن اسلامی آموزه‌ها و احکام اسلامی به صورت محسوس بر سازوکارها و چگونگی فعالیت نظام‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اثر گذاشته است و بر همین اساس می‌توان دانش فقه را در کنار

۱. روح الامینی، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص ۳۰.

۲. کرمی قهی، جستاری نظری در باب تمدن، ص ۵۸. (با اندکی تلخیص)

۳. روح الامینی، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص ۴۱.

دانش کلام در بردارنده بن‌مایه‌هایی دانست که شاکله نظام‌های تمدنی اسلام را پی‌ریزی می‌نماید. در این نوشتار سه نظام فرهنگی، نظام سیاسی و نظام اقتصادی که توضیحی فشرده درباره هر یک ذیلاً خواهد آمد، به‌عنوان نمونه برگزیده شده‌اند تا چگونگی اثرگذاری فقه بر آنها بررسی شود.

یک. نظام فرهنگی

معروف‌ترین تعریف در باب فرهنگ همان تعریف مشهور تایلور است که می‌گوید:

فرهنگ، بنایی است بیانگر تمامی باورها، رفتارها، دانش‌ها، ارزش‌ها و خواسته‌هایی که شیوه زندگی هر ملت را باز می‌نماید ... و عبارت است از هر آنچه یک ملت دارد، هر کاری که می‌کند و هر آنچه می‌اندیشد.^۱

این تعریف وسیع از فرهنگ، تقریباً تمام شئون و مؤلفه‌های یک تمدن را در بر می‌گیرد و به همین جهت است که بسیاری از جامعه‌شناسان، فرهنگ را به دو بخش مادی و معنوی تعریف کرده و قایلند: «فرهنگ مادی دلالت دارد بر کلیه ابزار و وسایلی که توسط بشر ساخته شده و چگونگی بهره‌برداری از آنها و فرهنگ معنوی اشاره به نهادها، باورها، ارزش‌ها و رسوم و میثاق انسان‌ها دارد.»^۲ و تمدن فقط شامل فرهنگ مادی می‌شود. به هر حال این تفکیک، چیزی از وسعت مفهومی فرهنگ نمی‌کاهد. بر این اساس مراد از نظام فرهنگی مجموعه اجزا، کنشگران، نهادها، روابط و ضوابطی است که در گستره مفهومی فرهنگ در ارتباطی تعریف شده با هم قرار دارند. بنا بر تفسیری که تایلور از فرهنگ دارد، تقریباً همه نظام‌هایی که می‌توان در یک تمدن از آن نام برد در نظام فرهنگی می‌گنجد، ولی در اینجا نظام سیاسی و نظام اقتصادی مستقل از نظام فرهنگی در نظر گرفته شده‌اند. تأثیر فقه در نظام فرهنگی؛ یعنی دو نوع تأثیر: تأثیر در جهت‌گیری کلان و تأثیر در اقدامات مربوط به اجزا.

دو. نظام سیاسی

فیلسوفان و دانشمندان علوم اجتماعی تعاریف مختلفی از سیاست ارائه کرده‌اند که اغلب آنها بر محور حکومت و قدرت بنا شده است؛ «سیاست عبارت است از تنظیم امور دولت و تدبیر شئون آن»^۳ یا از قول ابن‌سینا آمده که:

۱. آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۵۱.

۲. شایان مهر، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، ص ۴۰۰.

۳. صلیبا، فرهنگ فلسفی، ج ۱، ص ۱۰۹.

به بررسی احوال خویش و بررسی دخل و خرج و رسیدگی به کار خانواده و فرزندان و اطرافیان و نیز به اداره کردن امور رعایا توسط والی نیز سیاست اطلاق می‌شود.^۱

در تعریف مایکل راش می‌خوانیم:

سیاست در معنای کلی و قابل فهم عبارت است از قبضه کردن، سازمان دادن و بهره‌برداری کردن از قدرت در یک منطقه، سرزمین یا جامعه؛ به‌ویژه قدرت یا توان حکومت کردن و تصمیم‌گیری درباره این اصل مهم است که چه کسی، چگونه و کی نهادهای عمومی جامعه را اداره نماید.^۲

نظام سیاسی را هم می‌توان مجموعه اجزاء، کنشگران، نهادهای، روابط و ضوابطی است که در گستره مفهومی سیاست در ارتباطی تعریف شده با هم قرار دارند. یک نظام سیاسی در واقع به دنبال تعیین ساختار اعمال قدرت و حاکمیت در جامعه است و گستره موضوعی آن به اندازه مؤلفه‌های حاکمیتی در جامعه گسترش می‌یابد. بنابراین وقتی به دنبال نقش فقه در بسترسازی نظام سیاسی تمدن اسلامی هستیم، هر موضوع خردی که به نحوی به حاکمیت مربوط می‌شود، موضوع بحث ماست. بنابراین در بین احکام شرعی نیز آنچه که تقسیم‌بندی پیشنهادی شهید صدر با عنوان امور عامه از آن یاد می‌کند و شامل شهادت، قضا، صلح، جهاد، ولایت عامه و حدود و قصاص می‌گردد، به نحوی بسترساز نظام سیاسی اسلام است.

سه. نظام اقتصادی

اقتصاد از ریشه قصد به معنای پایداری روش^۳ در مقابل افراط و تفریط یا واسطه بین ممدوح و مذموم است و در اصطلاح، «علمی است که توزیع، به دست آوردن و مصرف ثروت و همچنین قوانین این امور را مورد بحث قرار می‌دهد.»^۴ اقتصاد در اصطلاح رایج خود که به دلیل ارتباط با قدرت، مفهومی سیاسی محسوب می‌گردد، بر محور ثروت در جامعه بنا شده و قوانین و مناسبات آن را شامل می‌شود، بنابراین نظام اقتصادی ساختاری اجتماعی است که در آن مجموعه اجزاء، کنشگران،

۱. همان، ص ۴۰۲.

۲. قرلسلفی، «هنر و سیاست»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ص ۲۱۵.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۳۵۰.

۴. صلیبا، فرهنگ فلسفی، ج ۱، ص ۱۰۹.

نهادها، روابط و ضوابطی اقتصادی در ارتباطی تعریف شده با هم قرار دارند. افزون بر مباحث موجود در ابواب معاملات فقه، ابواب دیگری همچون خمس، زکات و ارث هم در پیوند با مباحث اقتصادی است.

ج) مفهوم ظرفیت تمدنی فقه

براساس توضیحی که درباره مفهوم فقه و آیات فقهی قرآن و نیز مفهوم تمدن و نظام‌های آن داده شد، اکنون باید درباره ظرفیت تمدنی فقه نیز از نظر روش‌شناختی - که مقاله حاضر بر آن بنیاد نهاده شده - توضیحی ارائه کرد. مراد از این تعبیر این است که گزاره‌های فقهی - در اینجا آیات فقهی قرآن - افزون بر کارکرد اولیه خود که تعیین وظیفه مکلفان است دارای یک پیامد اجتماعی هم هستند و این پیامدها در خلاً صورت نمی‌بندد، بلکه در درون یک نظام از نظام‌های تشکیل‌دهنده یک تمدن - در اینجا نظام فرهنگی و نظام سیاسی و نظام اقتصادی - بروز و ظهور دارند. و براساس تعریفی که از نظام ارائه شد، هر یک از نظام‌ها در درون خود مجموعه‌ای مرتبط از عوامل و زمینه‌ها و روابط مختلف است و یک حکم فقهی در این منظومه گاه خود موجب یک حرکت جدید است مانند افزودن نماز به‌عنوان گونه‌ای نو از آداب و رسوم که بر چگونگی تحقق دیگر اجزا اثرگذار است مانند مستحبات خوردن و آشامیدن. تمدن یک جامعه متمایز از دیگر جوامع نیست، بلکه مرحله‌ای از تعالی جامعه است. بنابراین شاید هیچ عنصری را نتوان بدون در نظر گرفتن نقش اجتماعی آن یک عنصر تمدنی شمرد. همه عناصر و عوامل تمدنی نخست باید یک عنصر و عامل اجتماعی باشند و اگر بتوانند جامعه را در مسیر پیشرفت و توسعه‌یافتگی قرار دهند آنگاه در صورت استمرار و تداوم این پیشرفت، جامعه در مسیر تمدن قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر فقه نیز هرچند می‌تواند به‌عنوان یک شاخه علمی یک نظام شمرده شود، ولی در اینجا به‌مثابه یک نظام در کنار نظام فرهنگی و سیاسی و اقتصادی در نظر گرفته نشده است، بلکه به‌عنوان بخشی از دین که می‌تواند در همه نظام‌ها جریان داشته باشد مد نظر است. بنا بر این ظرفیت تمدنی فقه در درجه نخست یک ظرفیت توسعه‌یافتگی است و پیش از آن یک ظرفیت اجتماعی است. بر این نکته مهم باید پای فشرده که حتی در این گام نخستین که مقاله حاضر برداشته است تمامی دلالت‌های اجتماعی و تمدنی احکام فقهی شمارش نشده است، بلکه بیشتر بر این موضوع تکیه شده که احکام شریعت اسلامی از همان بدو وضع قابلیت داشته است که افزون بر تعیین تکلیف مکلفان در موضوعات محل ابتلا، صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر مسائل اجتماعی و بالمآل تمدنی اثر بگذارد. در اینجا با مبنا قرار دادن تقسیم‌بندی شهید صدر ابتدا با استناد به آیات قرآن مرتبط با آن مبحث اهم احکام فقهی برآمده از آن ذکر می‌شود و سپس به کارکرد اجتماعی آن اشاره خواهد شد.

د) ظرفیت تمدنی ابواب گوناگون فقه

یک. عبادات

۱. باب طهارت

طهارت دوری جستن از دنس (خبث) و نجس را گویند.^۱ بر این اساس قسم اول آن شامل طهارت‌های سه‌گانه؛ یعنی وضو، غسل و تیمم و قسم دوم آن؛ یعنی پاکی از نجاسات یازده‌گانه شامل بول، غائط، منی، مردار، خون، سگ، خوک، شراب، فقاغ و عرق شتر نجاست‌خوار است.^۲ اگرچه طهارت و احکام آن در غالب موارد مثل احکام آب‌ها،^۳ وجوب غسل^۴ و وضو^۵ و نیت قرب^۶ در آنها برای اعمالی چون اقامه نماز و قرائت قرآن^۷ و همچنین پاکیزگی فردی^۸ و طهارت لباس^۹ جزو احکام فردی محسوب می‌گردد، اگر با رویکردی تمدنی بدان بنگریم، همین احکام موجب شکل‌گیری گونه‌ای از سبک زندگی در نظام فرهنگی است که می‌تواند از نشانه‌های تمایز یک جامعه و بالمآل تمدن اسلامی از دیگران باشد. شاهد مثال این باور، شرایط زندگی قبائل بدوی اعراب جاهلی و فاصله آنها با مدنیت و اعتلای آداب جمعی متأثر از چنین احکامی در سده‌های نخستین اسلامی است. علاوه بر این موارد نیز ناظر به احکام اجتماعی است، همچون حرمت ورود به مسجد برای جنب^{۱۰} و حکم به نجاست خمر^{۱۱} و حکم به نجاست مشرکان^{۱۲} که علاوه بر بعد فرهنگی، بر ابعاد سیاسی و اقتصادی نیز مؤثرند.

۲. باب صلاه (نماز)

نماز و مسائل آن نیز در بدو امر جزو احکام عبادی فردی محسوب می‌شود و نهایت کارکرد آن در

۱. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۱۲۷.

۲. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۱۹ - ۱۱۴.

۳. فرقان (۲۵): ۴۸؛ انفال (۸): ۱۱.

۴. بقره (۲): ۲۲۲.

۵. مائده (۵): ۶.

۶. بینه (۹۸): ۵.

۷. واقعه (۵۶): ۷۹ - ۷۷.

۸. بقره (۲): ۱۲۴.

۹. مدثر (۷۴): ۵ - ۴.

۱۰. توبه (۹): ۱۰۸.

۱۱. نساء (۴): ۴۳.

۱۲. توبه (۹): ۲۸.

مجموعه عبادات و مذهب در نظام فرهنگی به چشم می‌خورد. احکامی که مطلق نماز،^۱ و وجوب آن در اوقات خاص^۲ و برخی مقدمات،^۳ مقارنات،^۴ مستحبات،^۵ متعلقات^۶ و انواع واجب غیر یومیه^۷ را بیان می‌کند؛ همه در استحکام ارتباط بین خلق و خالق تأثیر داشته و همچون غالب احکام باب طهارت از جهت اخلاقی و عبادی، بر ساماندهی نظام فرهنگی تمدن اسلامی مؤثرند.

نماز جمعه و جماعت^۸ و نماز عید^۹ نیز علاوه بر کارکردهای فرهنگی همچون رواج همدلی، انضباط و قانون^{۱۰} محوری، دارای کارکردهای سیاسی چشمگیری بودند، به خصوص نماز جمعه که به مثابه یک رسانه فعال، پل ارتباطی بین حاکم و جامعه اسلامی بوده است. اهمیت این فعالیت عبادی سیاسی تا جایی است که هنگام برپا شدن آن، مؤمنین از هر فعالیتی حتی تجارت منع شده‌اند.^{۱۰}

- اوقات نماز

نمازهای یومیه در اوقات خاصی از شبانه روز باید ادا گردد.^{۱۱} تشخیص اوقات نماز که غالباً و نیز به دستور قرآن^{۱۲} از احوال خورشید و ماه انجام می‌گیرد، بهانه‌ای برای مسلمانان شد تا از احوال ستارگان آگاهی یابند و به دانش نجوم گرایش پیدا کنند.

- قبله

قبله در عین اینکه به عنوان یکی از مقدمات نماز^{۱۳} جزو قوانین و رسوم همه مسلمانان قرار گرفته و از این جهت که در سراسر جهان در شبانه روز به سمت آن روی می‌گردانند، دارای کارکرد فرهنگی است.

۱. نساء (۴): ۱۰۳؛ بقره (۲): ۲۳۹ - ۲۳۸؛ طه (۲۰): ۱۳۲؛ مؤمنون (۲۳): ۲ - ۱.
۲. اسرا (۱۷): ۷۸ - ۷۹؛ هود (۱۱): ۱۱۴؛ روم (۳۰): ۱۸ - ۱۷؛ طه (۲۰): ۱۳۰؛ ق (۵۰): ۴۰ - ۳۹.
۳. مائده (۵): ۳ و ۵۸؛ نحل (۱۶): ۵۰ و ۸۱ - ۸۰.
۴. بقره (۲): ۲۳۸؛ اسراء (۱۷): ۱۱۱ - ۱۱۰؛ مزمل (۷۳): ۲۰؛ حج (۲۲): ۷۷؛ جن (۷۲): ۱۸؛ واقعه (۵۶): ۷۴؛ احزاب (۳۳): ۵۶.
۵. بقره (۲): ۲۳۸؛ کوثر (۱۰۸): ۲؛ مؤمنون (۲۳): ۲ - ۱؛ نحل (۱۶): ۹۸؛ مزمل (۷۳): ۸ - ۲.
۶. نساء (۴): ۸۶؛ انعام (۶): ۱۶۳ - ۱۶۲؛ مائده (۵): ۵۵؛ طه (۲۰): ۱۵ - ۱۴؛ فرقان (۲۵): ۶۲؛ توبه (۹): ۵؛ بقره (۲): ۲۱.
۷. کوثر (۱۰۸): ۲؛ نساء (۴): ۱۰۳ - ۱۰۱؛ اعراف (۵): ۲۰۴؛ سجده (۳۲): ۱۵؛ توبه (۹): ۸۴؛ نساء (۴): ۱۰۳ - ۱۰۱.
۸. بقره (۲): ۴۳.
۹. کوثر (۱۰۸): ۲.
۱۰. جمعه (۶۲): ۹ - ۱۱.
۱۱. بقره (۲): ۲۳۹ - ۲۳۸.
۱۲. اسرا (۱۷): ۷۸ - ۷۹؛ هود (۱۱): ۱۱۴؛ روم (۳۰): ۱۸ - ۱۷؛ طه (۲۰): ۱۳۰؛ ق (۵۰): ۴۰ - ۳۹.
۱۳. بقره (۲): ۱۱۵، ۱۴۵ - ۱۴۲ و ۱۵۰ - ۱۴۹؛ مائده (۵): ۹۷.

قبله‌یابی که مترتب بر جهت‌یابی است، باعث تشویق مسلمین به ساخت ابزار جهت‌یابی و همچنین تمایل و تسلطشان بر علم نجوم گردیده است.

از سوی دیگر قبله واحد، از جهاتی در معماری اسلامی مؤثر افتاده است؛ اول باعث به وجود آمدن محراب در مساجد و اماکن مقدسه گردیده که قلب مسجد محسوب شده و زیباترین و نفیس‌ترین آثار هنری معمولاً در ساخت محراب‌ها دیده می‌شوند، ثانیاً قبله باعث شده سمت و سوی بناهای مسلمانان به خصوص بناهای عبادی همانند مسجد و مدارس و یا قبرستان‌ها به گونه‌ای طراحی شود که رو به قبله باشد. این همه در قالب نظام فرهنگی یک تمدن قابل نگریستن است. تغییر قبله نیز بسترساز نظام سیاسی خارجی مسلمانان و مؤثر در کیفیت روابط مسلمانان با اهل کتاب به خصوص یهودیان بوده است.

- مسجد

وجود مسجد در جامعه اسلامی علاوه بر کارکردهای فرهنگی، به‌عنوان اولین، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بنای اسلامی، یکی از ابتکارات ماندگار اسلام بوده است. ساخت مساجد از همان عصر تشریح به‌گونه‌ای مورد تأکید بوده،^۱ که پیامبر اکرم در اولین اقدام پس از هجرت، مسجد قبا و سپس مسجدالنبی را بنا کردند و با این کار زمینه فرهنگی ساخت مساجد را به قصد عبادت و با خلوص نیت^۲ در بین مسلمانان نهادینه ساختند. مسجد نه فقط محل عبادت، بلکه محل تجمع، کسب علم، قضاوت و احیاناً حکومت بوده است.^۳

به‌خاطر جایگاه بی‌بدیل مسجد در فرهنگ اسلامی و تأکید بر زیبایی و زینت در مساجد،^۴ مسجد والاترین، ارزشمندترین و ماندگارترین اثر هنری اسلام گردیده است. «یک نظر به برخی مساجد کهن نشان می‌دهد که این بناهای باشکوه والا که به پیشگاه خداوند اهدا شده‌اند، صرف نظر از قدس و زهت معنوی که دارند از لحاظ یک مورخ نیز در خور آنند که گالری‌های هنر اسلامی تلقی شوند».^۵

۳. باب صوم

روزه یکی دیگر از اعمال عبادی مورد تأکید اسلام است.^۶ این عبادت اگرچه دارای آثار فردی

۱. بقره (۲): ۱۱۴؛ توبه (۹): ۱۸؛ اعراف (۷): ۲۹؛ یونس (۱۰): ۸۷.

۲. توبه (۹): ۱۰۸ - ۱۰۷.

۳. زرین کوب، کارنامه اسلام، ص ۱۴۵.

۴. اعراف (۷): ۳۱.

۵. زرین کوب، کارنامه اسلام، ص ۱۴۴.

۶. بقره (۲): ۱۸۳ و ۱۸۵.

همچون تهذیب و اعتلای روح در مؤمنین است، اثر ثانویه آن در اجتماع نیز مشاهده می‌گردد. اعتدال در خوردن و آشامیدن، مقابله با هوای نفس و دوری از شهوت،^۱ توجه به هم‌نوع، توجه به مساجد، تأکید بر استحباب افطار دادن و دستگیری از مستمندان، از برکات این عبادت فرهنگ‌ساز است. همچنین سلوک معنوی همچون چله‌نشینی و اعتکاف که به‌خصوص از اعمال مورد تأکید ماه رمضان ذکر شده^۲ در باب روزه قابل ردیابی است.

روزه طبق فرمان الهی در ایام معدودی^۳؛ یعنی ماه مبارک رمضان و در زمان خاصی از شبانه روز این ماه؛ یعنی ما بین اذان صبح تا اذان مغرب^۴ انجام می‌شود. از این روست که وقت شناسی برای مؤمنان روزه دار اهمیتی دو چندان پیدا می‌کند و این خود از عواملی می‌تواند باشد که مسلمانان را به مطالعات نجومی تشویق نماید، گذشته از اینکه علاوه بر اوقات نماز در خوراک و امساک نیز باید نظم زمانی خاصی را دنبال کنند.

و جوب روزه از ابتدای ماه رمضان تا آخرین روز این ماه و حرمت روزه در ابتدای ماه شوال، حساسیت ویژه‌ای ایجاد کرد تا مؤمنان بتوانند به دقت ابتدای ماه را رصد کرده و حتما رؤیت هلال نمایند. رصد احوال کواکب تنها ابزار عملی برای این تشخیص است و به همین انگیزه مسلمانان به رصد ستارگان و بلکه علم نجوم گرایش پیدا کردند. می‌توان بنا نمودن رصدخانه‌های بزرگ توسط دانشمندان اسلامی مثل خواجه نصیرالدین طوسی را از پیامدهای احکام باب روزه دانست.

۴. باب حج

حج میراثی است از ابراهیم خلیل که اسلام آن را به‌عنوان تعظیم شعائر الهی^۵ واجب نمود.^۶ مسلمانان با ورود به حرم امن الهی^۷ و به جای آوردن مناسک^۸ و رعایت احکام^۹ میثاق بندگی خود را با پروردگار عالم تجدید می‌کنند.

آنگاه که مسلمانان از زن و مرد، پیر و جوان، فقیر و غنی، با یک لباس، به یک سبک و روش،

۱. بقره (۲): ۱۸۷.

۲. همان.

۳. بقره (۲): ۱۸۴.

۴. بقره (۲): ۱۸۷.

۵. بقره (۲): ۱۵۸؛ حج (۲۲): ۳۰ و ۳۷ - ۳۶.

۶. آل عمران (۳): ۹۷ - ۹۶؛ حج (۲۲): ۲۲.

۷. بقره (۲): ۱۲۶ - ۱۲۵.

۸. بقره (۲): ۲۰۳ - ۱۹۶؛ حج (۲۲): ۲۷؛ فتح (۴۸): ۲۷.

۹. مائده (۵): ۲ و ۹۷ - ۹۴؛ بقره (۲): ۱۲۸ - ۱۲۷.

خانه‌ای را طواف می‌کنند، انسان را بیش از هر چیز به یاد امت واحده می‌اندازد. اتحاد، همدلی، دوری از تجملات، پرستش، پرهیز از مشاجره، دروغ و شهوات و موارد بسیاری دیگر، ثمرات و پیام‌های این ضیافت فرهنگ‌ساز الهی هستند.^۱

شستن دل از غیر او در احرام، ستیز با دشمن در رمی جمره، بردباری با سعی در سعی، دل‌کندن از مظاهر دنیوی با حلق و تقصیر، تنهایی روز محشر در مشعر و منی و عشق و دلدادگی در مطاف تجلی می‌یابند.

گذشته از آثار فرهنگی، حج رویکردی سیاسی دارد و هر ساله جمعیت عظیم مسلمانان خداپرست را به رخ مشرکان و کفار کشانده باعث تضعیف روحیه آنان می‌شود.

دو. اموال

اقتصاد از جمله مباحثی است که اسلام در کل و جزء آن با ارائه دیدگاه فقهی سعی دارد شیوه‌ها و روش‌های اقتصادی مطلوب و یا ناپسند را طی ابواب مجزا و متعددی بیان کند.

۱. باب زکات

زکات علی‌رغم اینکه عبادت و بهترین راه کسب خشنودی خداست و کارکرد فرهنگی دارد، در نظام‌های سیاسی و اقتصادی نیز تأثیر گسترده و غیر قابل انکاری می‌نهد. زکات را حاکم اسلامی - ولو به اکراه اما با روی خوش - به‌عنوان مالیات می‌ستاند^۲ تا مصروف جامعه اعم از خود و خویشان (زکات‌دهنده)، ایتم، مساکین، در راه ماندگان، سائلین، آزادی‌بندگان، به پا داشتن نماز و دریافت زکات، وفاکنندگان به عهد و صابرین در فقر، مریض و جهاد کند.^۳ اخراج زکات^۴ و احکام متعلق به آن^۵ هم در چرخه اقتصادی جامعه اسلامی تأثیر مستقیم دارند و هم در سیاست داخلی و روابط خارجی از طریق تألیف قلوب و نیز در تعیین حدود اختیارات حاکم مؤثرند. باب زکات آنچنان گسترده و دقیق نظام اقتصادی را مد نظر قرار داده که شاید بیشترین تأثیر را در شکل دهی آن در جامعه اسلامی داشته است.

۲. باب خمس

احکام مربوط به خمس در آیات متعددی از قرآن بیان شده و منابع و مصارف آن را به تفصیل بیان

۱. بقره (۲): ۱۹۷.

۲. توبه (۹): ۱۰۴ - ۱۰۳؛ بقره (۲): ۲۶۷؛ روم (۳۰): ۳۹؛ بقره (۲): ۲۷۱.

۳. بقره (۲): ۱۷۷ و ۲۱۵؛ توبه (۹): ۹.

۴. فصلت (۴۱): ۷ - ۶؛ توبه (۹): ۳۵ - ۳۴؛ ذاریات (۵۱): ۱۹.

۵. بقره (۲): ۲۱۹، ۲۶۴ و ۲۷۳ - ۲۷۲؛ اعلی (۸۷): ۱۵ - ۱۴.

نموده است.^۱ قابل توجه آنکه همان کارکردهایی که برای زکات ذکر شد، به صورت گسترده‌تری در مورد خمس نیز مشهود است و در هر سه بعد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه اسلامی مؤثر است. نیز سهمی برای حاکم و دولت اسلامی به صورت ویژه در آن دیده شده است.^۲ البته نکته مهم و قابل ملاحظه آنکه اگر نگاه اهل تسنن به خمس را مورد توجه قرار دهیم که خمس مخصوص غنائم جنگی است، در این صورت دیگر یک عبادت فردی محسوب نمی‌گردد و حاکم جامعه اسلامی رأساً و حتی بدون رضایت فرد می‌تواند در آن تصرف نماید.

۳. باب مکاسب

کسب به معنای طلب رزق^۳ بابتی از معاملات مالی است که در واقع بر بسیاری دیگر از ابواب این بخش شمول معنایی دارد. فقه اسلامی با اعتبار کردن و ترویج دو واژه حلال^۴ و حرام^۵ در حقیقت مشی اقتصاد اسلامی در زمینه طلب معاش را مشخص نموده و از این رهگذر به تبیین روش‌های پسندیده^۶ و ناپسند^۷ آن پرداخته و راه‌های مضرات اجتماعی آن را مسدود نموده است. این تعالیم نه فقط نظام اقتصادی اسلام را پایه‌ریزی می‌کند، بلکه نوع نگرش مسلمانان به رزق و روزی و معاش را از جهت فرهنگی نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۴. باب بیع

فقه اسلامی در باب بیع و متعلقات و وجوه آن به‌مثابه دریایی بی‌کرانه است، احکام این باب را در واقع می‌توان تخصیص و تقییدی بر عمومیت و اطلاق^۸ کسب روزی - که پیش‌تر عنوان شد - دانست. نهی از ربا و مقابله جدی با آن یکی از شاخصه‌های اصلی اقتصاد اسلامی محسوب می‌شود.^۹ علی‌رغم شدت شباهت بین بیع و ربا،^{۱۰} شاید هیچ ایدئولوژی فرهنگی و اقتصادی در بین همه

۱. انفال (۸): ۱ و ۴۱؛ بقره (۲): ۱۷۷ و ۲۶۷؛ حشر (۵۹): ۷ - ۶.
۲. انفال (۸): ۱ و ۴۱.
۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۷۱۶.
۴. بقره (۲): ۱۶۸؛ طه (۲۰): ۸۱.
۵. مائده (۵): ۴۲.
۶. حجر (۱۵): ۲۰ - ۱۹؛ اعراف (۷): ۱۰؛ ق (۵۰): ۱۱ - ۹؛ ملک (۶۷): ۱۵.
۷. نور (۲۴): ۳۳؛ مائده (۵): ۹۱ - ۹۰؛ نور (۲۴): ۶۱.
۸. ملک (۶۷): ۱۵؛ جمعه (۶۲): ۱۰.
۹. بقره (۲): ۲۷۹ - ۲۷۸؛ آل عمران (۳): ۱۳۰.
۱۰. بقره (۲): ۲۷۵.

مکاتب دنیا به اندازه اسلام با ربا مخالفت نورزیده است. این مقابله صریح علاوه بر نظر به آثار سوء فرهنگی این شیوه درآمد، همچون افزایش اختلاف طبقاتی در جامعه و انحراف جامعه ربوی از هم‌افزایی در تولید به تفرّدگرایی در ثروت‌اندوزی، دارای منطق و توجیه اقتصادی نیز است؛ زیرا شیوع ربا، سرمایه جامعه را از فعالیت‌های مولد تولیدی به سمت سفته بازی می‌کشاند.

فقه اسلامی همچنین، با رد صریح معاملات غرری / زیان‌ده و وضع خيارات متعدد کوشیده تراضی طرفین را به‌عنوان شرط اساسی صحت معامله مطرح کند^۱ و با نهی از کم‌فروشی^۲، حساسیت نسبت به کیل و وزن، اهمیت ساخت و به کارگیری ابزار اندازه‌گیری را نشان دهد.

نهی از ورود در معامله دیگران به‌عنوان خریدار یا فروشنده^۳ و همچنین نهی از معاملاتی که موجب راه‌یابی و تسلط کفار بر مسلمین می‌شود^۴ از دیگر سیاست‌های اقتصادی فقه اسلامی است.

فقه اقتصادی اسلام در ابتکاری حیرت‌انگیز و با پیش‌کشیدن شیوه‌هایی چون گذشت در معاملات^۵ و ابراز کراهت از مباحه غیر ضروری در داد و ستد با مؤمنان^۶ سعی دارد فعالیت‌های اقتصادی را از محور مباحه دنیوی به سمت و سوی سعادت اخروی سوق دهد.

۵. باب دَیْنُ

در این باب فقه اسلامی با تشریح انواع دیون، چون رهن^۷، ضمان و جعاله^۸ و تشویق بر قرض الحسنه^۹ به جای دیون تنزیلی، بر نگاشتن قرار بین متعاقدين در ابتدای امر مفصلاً تأکید نموده^{۱۰} اما در مقام اجرای عقد به مهلت دادن^{۱۱} و صلح^{۱۲} سفارش کرده است. این شیوه علاوه بر تأکید بر حق مالکیت، بسترساز گسترش فرهنگ تعاون در فعالیت‌های اقتصادی است.

۱. نساء (۴): ۲۹.

۲. مطففین (۸۳): ۳ - ۱.

۳. ص (۳۸): ۳۸.

۴. نساء (۴): ۱۴۱.

۵. بقره (۲): ۲۶۷.

۶. اعراف (۷): ۱۹۹.

۷. بقره (۲): ۲۸۳.

۸. یوسف (۱۲): ۱۲.

۹. بقره (۲): ۲۴۵.

۱۰. بقره (۲): ۲۸۲.

۱۱. بقره (۲): ۲۸۰.

۱۲. نساء (۴): ۱۱۴.

۶. عقود و توابع آن

همانطور که قبلا بیان شد فقه اسلامی حتی در همان عصر تشریح، بسیاری از عقود را به صورت مجزا تشریح کرده و با تأکید بر تعهد متعاقدين،^۱ فروع مربوط به هر یک را مفصلا شرح داده که اینجا مجال کافی برای پرداختن به همه آنها نیست به همین جهت در این باب به جهت نشان دادن گستره وسیع احکام اقتصادی به طور اجمال برخی از این عقود و حقوق مالی را فقط نام می‌بریم. اجاره،^۲ توکیل،^۳ مضاربه،^۴ امانت،^۵ عاریه،^۶ سبق و رمایه^۷ از جمله عقود و غنیمت،^۸ لقطه،^۹ شفعه^{۱۰} و تقاص (حق استیفای مالک)^{۱۱} از جمله حقوق مالی مورد توجه شارع بوده که هر کدام در فقه ابواب مجزا و فروع متعددی را به خود اختصاص داده‌اند. این نگاه وسیع در نظام اقتصادی فقه ظرفیت تحولات عظیم اقتصادی را ایجاد کرده و بستر و زمینه تعالی تمدن اسلامی را از جهت اقتصادی فراهم می‌آورد.

۷. باب وصیت

وصیت و ارث که در ضمن فقه اموال به آن پرداخته می‌شوند، ارتباط نزدیکی با حقوق و سبک زندگی خانوادگی دارند. فقه اسلامی ضمن توصیه به وصیت و رعایت حق نزدیکان^{۱۲} و لزوم تقدیر آن،^{۱۳} سفارش نموده که آن را بنویسند و شاهدان عادل را بر آن بگیرند.^{۱۴} علاوه بر این بر رعایت حقوق ایتام،^{۱۵} سفها^{۱۶} و محجورین^{۱۷} تأکید نموده است.

۱. مائده (۵): ۶.

۲. قصص (۲۸): ۲۷ - ۲۶.

۳. یوسف (۱۲): ۶۲؛ کهف (۱۸): ۱۹.

۴. همان.

۵. نساء (۴): ۵۸.

۶. مائده (۵): ۲.

۷. یوسف (۱۲): ۱۲.

۸. انفال (۸): ۶۹.

۹. مائده (۵): ۲.

۱۰. بقره (۲): ۱۸۵.

۱۱. بقره (۲): ۱۹۴.

۱۲. بقره (۲): ۱۸۲ - ۱۸۰.

۱۳. نساء (۴): ۱۲؛ بقره (۲): ۲۶۰.

۱۴. مائده (۵): ۱۰۶.

۱۵. نساء (۴): ۲ و ۱۰ - ۹.

۱۶. نساء (۴): ۵.

۱۷. نحل (۱۶): ۷۵.

در باب وصیت موضوع مهم صدقات جاریه نیز مطرح شده^۱ که در نوع خود بی‌نظیر است. سنت حسنه وقف در فقه اسلامی - که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود اولین واقف بزرگ به‌شمار می‌آید - تأثیر بی‌نظیری بر شکل‌گیری ابعاد مختلف تمدن اسلامی داشته است. اسلام با مطرح نمودن وقف توانست ثروت کلانی را در مسیر احیای دین، رشد علم، رشد فرهنگ و تمدن و کمک به دیگران قرار دهد. تشریح این حکم، جاودانگی ابدی ثروت فانی دنیوی را برای صاحب آن نوید می‌داد؛ مدارس دینی و غیر دینی، بیمارستان‌ها، مساجد، بقاع متبرکه، رسیدگی به ضعفا و ایتام و هر فعالیت عام‌المنفعه دیگری می‌توانست موضوع وقف قرار گیرد و از این رهگذر نهضتی عظیم در قرون بعدی برای ساخت‌وساز و تجهیز نهادها و تأسیسات اجتماعی و امور خیریه و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر به راه افتاد. فقه اسلامی با ورود به جزئیات بحث ارث در واقع تکلیف وراثت را نسبت به ماترک میت به‌طور مفصل و برای همیشه مشخص نموده است.^۲ در این بین از نوع تقسیم ارث و در واقع حکم معروف «لذکر مثل حظ الانثیین»^۳ می‌توان جزئی از نظام اقتصادی خانواده را استنباط کرد که در فقه خانواده بدان اشاره خواهد شد.

سه. سلوک، آداب و رفتار شخصی

فقه اسلامی اعتدالی شاخصه‌های فرهنگی و اقتصادی جامعه را در گرو رشد و تعالی سلوک و آداب شخصی می‌داند.

۱. نکاح

علی‌رغم اینکه خانواده که بنیادی‌ترین و ابتدایی‌ترین نهاد اجتماعی است؛ ازدواج به‌عنوان سلوک شخصی زن و مرد در اجتماع خطوط حرکت و حدود وظایف ایشان را مشخص می‌نماید.^۴ ازدواج در جامعه اسلامی به‌شدت مورد تشویق است و پرهیز از آن به دلیل ترس از فقر مورد نکوهش قرار گرفته است.^۵ این تأکید و توصیه به حدی است که همسری با چهار زوجه از زنان مومن در اسلام مجاز شمرده شده است.^۶ این اصل به‌عنوان یک سیاست اجتماعی بعدها علاوه بر

۱. مزمل (۷۳): ۲۰.

۲. نساء (۴): ۸ - ۷، ۱۲ - ۱۱، ۳۳ و ۱۷۶؛ مریم (۱۹): ۶ - ۵؛ احزاب (۳۳): ۶.

۳. نساء (۴): ۱۱.

۴. نساء (۴): ۳۴.

۵. نور (۲۴): ۳۲.

۶. نساء (۴): ۳.

از دیداد جمعیت مسلمانان باعث کم رنگ شدن حضور کفار در جامعه اسلامی گردید.

فقه با ورود در مراحل ازدواج علاوه بر تشریح محارم^۱ و دیگر زنانی که ازدواج با ایشان ممنوع است^۲ به انتخاب زنان پاکدامن^۳ توجه به هم کفو بودن زن و مرد در ایمان^۴ نحوه خواستگاری^۵ رعایت عدالت بین زنان^۶ چگونگی استمتاع از ایشان^۷ چگونگی رفتار با فرزندان^۸ پرداخت حقوق مالی مانند مهریه^۹ نفقه^{۱۰} اجرت رضاع^{۱۱} چگونگی صلح^{۱۲} و سازش و حل اختلاف بین زن و شوهر^{۱۳} و دیگر حقوق^{۱۴} توصیه می‌کند. از سوی دیگر اسلام شیوع فساد و ابتذال در جامعه را برنمی‌تابد و کسانی که امکان ازدواج را ندارند به پاکدامنی امر می‌کند.^{۱۵}

همچنین فقه اسلامی پس از تشریح جزئیات مربوط به تشکیل و اداره خانواده با وضع اصل حجاب و عفت نظر^{۱۶} نگاه ابزاری به زنان را، ریشه کن نموده و با هویت‌بخشی به زن در جامعه، مردان را از تعدی به حقوق و شخصیت ایشان باز می‌دارد.^{۱۷} حجاب نیز یک اصل مترقی اجتماعی است که فقه اسلامی با درک نیازها و ضرورت‌های فردی و اجتماعی زن، آن را وضع نمود و به وسیله آن علاوه بر حفظ جامعه از شیوع فساد، بنیادهای اخلاق و تربیت در خانواده مسلمان را بهبود بخشید.^{۱۸}

۱. نساء (۴): ۲۳.

۲. نساء (۴): ۲۲ و ۲۴.

۳. مدثر (۷۴): ۴.

۴. حجرات (۴۹): ۱۳.

۵. بقره (۲): ۲۳۵.

۶. نساء (۴): ۱۲۹.

۷. بقره (۲): ۲۲۳.

۸. نور (۲۴): ۵۹ - ۵۸.

۹. نساء (۴): ۴، ۲۱ - ۲۰ و ۲۵ - ۲۴؛ بقره (۲): ۲۳۷ - ۲۳۶.

۱۰. طلاق (۶۵): ۷.

۱۱. بقره (۲): ۲۳۲.

۱۲. نساء (۴): ۱۲۸.

۱۳. نساء (۴): ۳۵.

۱۴. طلاق (۶۵): ۶.

۱۵. نور (۲۴): ۳۳؛ مؤمنون (۲۳): ۷ - ۵.

۱۶. نور (۲۴): ۳۱.

۱۷. نور (۲۴): ۳۰.

۱۸. احزاب (۳۳): ۵۹.

۲. فراق / طلاق

شریعت اسلام با تمام اهمیتی که برای حفظ بنیان خانواده و نفرتی که برای طلاق قائل است، راه را همچون مسیحیت مسدود نکرده، زن و مرد را در اسارت یکدیگر قرار نداده است، آنها هرگاه زندگی مشترک را برنتابیدند و سعادت آنها به دلیل ناسازگاری با یکدیگر به خطر افتاد، دیگر مجبور به ادامه زندگی مشترک نمی‌باشند. طلاق و راه‌های متعدد اسباب فراق همچون خلع و مبارات،^۱ظهار،^۲ ایلاء،^۳لعان،^۴ طرقي هستند که از سوی فقه برای گسستن این رشته طی قوانینی که در فقه مفصلاً آمده است، وجود دارند. با این همه، مدت انتظاری که برای تحقق طلاق تحت عنوان عده گذاشته شده، علاوه بر حفظ اصالت فرزندان، در واقع فرصتی برای بازگشت به زندگی مشترک است.^۵

۳. خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها

نگاهی گذرا به جامعه اعراب در عصر تشریح به خوبی اهمیت این باب از احکام فقهی را روشن می‌کند. امیرمؤمنان خطاب به آنها می‌فرماید: «شما ای گروه عرب ... آب لجن سیاه را می‌آشامیدید و غذای خشن می‌خوردید.»^۶ اسلام با وضع احکامی نحوه و نوع خوردن و آشامیدن را در جامعه توحیدی و مترقی معین نموده است. البته اسلام در نگاه عام، استفاده از جمیع خوردنی‌های پاک^۷ به معنای آنچه که مشتمل بر منفعت و خالی از مضرت است،^۸ و به عبارت دیگر آنچه حلال و طیب است^۹ را مجاز دانسته است.

حتی در مواردی استفاده از غذای اهل کتاب را نیز حلال شمرده^{۱۰} و فراتر از آن در برخی از موارد آنچه که در گذشته برای دیگران مثل قوم یهود ممنوع بوده را مباح قلمداد نموده است.^{۱۱}

۱. بقره (۲): ۲۲۹؛ نساء (۴): ۱۹.

۲. مجادله (۵۸): ۴ - ۱.

۳. بقره (۲): ۲۲۷ - ۲۲۶.

۴. نور (۲۴): ۹ - ۶.

۵. طلاق (۶۵): ۲ - ۱ و ۴؛ بقره (۲): ۲۲۹ - ۲۲۸، ۲۳۲ - ۲۳۱ و ۲۳۴؛ احزاب (۳۳): ۴۹.

۶. نهج البلاغه، خطبه ۲۶، ص ۶۸؛ ترجمه فیض الاسلام، ص ۹۳.

۷. مائده (۵): ۵ - ۴، ۷۸ و ۹۳.

۸. بقره (۲): ۲۹.

۹. بقره (۲): ۱۶۸ و ۱۷۲.

۱۰. مائده (۵): ۵۰.

۱۱. آل عمران (۳): ۹۳؛ انعام (۶): ۱۴۶.

جالب آنکه به خوردن برخی خوراکی‌ها مثل گوشت ماهی^۱ و عسل^۲ در آیات الاحکام اشاره شده است. از سوی دیگر برخی از خوراکی‌ها که ضرر آنها زیادتز از نفعشان است مانند خمر^۳ مورد نهی واقع شده‌اند.

اسلام هرگز خوردن گوشت را همچون برخی از مکاتب^۴ با مشکل روبه‌رو نساخته، ولی در عین حال افراط در بهره‌مندی از آن را مطلوب ندانسته و علاوه بر تحریم بسیاری از حیوانات، برای تذکبه حیوان در هنگام ذبح نیز شرایطی را عنوان نموده که غالب آنها کاربرد بهداشتی دارند. مثلاً تحریم مردار، خون، خوک، آنچه بدون نام خدا ذبح شده، حیوان خفه شده، مضروب شده، در چاه افتاده، توسط درندگان کشته، یا قسمتی از آن خورده شده، یا در قمار و ازلام استفاده شده^۵ از این دسته‌اند. اگرچه وضع چنین احکامی در نگاه اول فردی می‌نماید، با دقت نظر در آداب خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها می‌بینیم معمولاً جوامع مترقی چنین قوانینی را برای حفظ سلامت جامعه و نیز تأمین جایگاه و شأن افراد وضع می‌نمایند، همچنین از آن جهت که بسیاری از مشاغل برای تأمین آذوقه شهروندان است، وجود چنین قوانینی اثرات اقتصادی انکارناپذیری دارد، بنابراین وضع چنین قوانینی علاوه بر زیرساخت‌های فرهنگی در نظام اقتصادی تمدن عظیم اسلامی مؤثر بوده است.

۴. باب نذر، عهد و یمین

ورود فقه اسلامی به این مقولات، علاوه بر اثرات ملموس در نظام اقتصادی به جهت ارتباط با مؤلفه‌های اخلاق، آداب و رسوم و قوانین در نظام فرهنگی نیز قابل بررسی است. نذر^۶ همچون وقف پیامدهای شگرفی در توزیع ثروت و احیای سنن اسلامی در جامعه را زمینه‌سازی کرد و سفارش به استواری بر عهد^۷ و یمین^۸، ترویج تعهد و پایداری، صحت گفتار و در یک جمله احیای سجایای اخلاقی را در مبادلات مالی و غیر آن باعث می‌گردد.

۱. فاطر (۳۵): ۱۲.

۲. نحل (۱۶): ۶۹ - ۶۸.

۳. بقره (۲): ۲۱۹.

۴. بودیسم و هندوئیسم.

۵. مائده (۵): ۳؛ انعام (۶): ۱۱۹ و ۱۴۵.

۶. بقره (۲): ۲۷۰؛ انسان (۷۶): ۸ - ۷.

۷. اسراء (۱۷): ۳۴؛ انعام (۶): ۱۵۲؛ نحل (۱۶): ۹۱.

۸. بقره (۲): ۲۲۵ - ۲۲۴؛ مائده (۵): ۸۹؛ نحل (۱۶): ۹۱.

۵. باب امر به معروف و نهی از منکر^۱

عام بودن موضوع معروف و منکر و مورد خطاب جدی قرار گرفتن همه مسلمانان برای اجرای امر و نهی به اندازه‌ای به آن وسعت موضوعی داده که می‌توان آن را بنیادی‌ترین و کلی‌ترین حکم از احکام اجتماعی الهی دانست و همه احکام دیگر را به‌گونه‌ای تحت سیطره آن درآورد. اهمیت این حکم تا جایی است که خداوند امت اسلامی را برای رعایت آن بهترین امت دانسته است.^۲

گذشته از حس مسئولیت و دوری از بی‌اعتنایی که این حکم در جامعه ایجاد می‌کند و اینکه تضمینی برای پایداری اجتماع به احکام شریعت اسلام است، پیامدهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی امر به معروف و نهی از منکر به اندازه مؤلفه‌های سازنده این نظام‌ها وسیع است؛ زیرا هر موضوعی از موضوعات اجتماعی، این قابلیت را پیدا می‌کند که به جهت خوب و بد بودنش موضوع این حکم نیز قرار بگیرد و هر فعل و انفعال اجتماعی و به تبع آن تمدنی، به‌واسطه همین حکم موجب استقبال و یا روی‌گردانی امت اسلامی گردد. به عبارت دیگر می‌توان این حکم را ضامن بقای معروف و روی‌گردانی از منکر در نظام‌های تشکیل‌دهنده تمدن اسلامی دانست. نگاهی به احتساب و جایگاه محتسب و قلمرو او در جامعه اسلامی به نحوی نقش‌سازنده فرهنگی، اقتصادی و سیاسی این فریضه الهی را مشخص می‌سازد.

چهار. آداب عمومی

بدیهی است تمدن مترقی حاصل جامعه یا جوامع با ثبات و امن است، از طرفی امنیت و ثبات اجتماعی نیز تنها در سایه برخورداری از آداب عمومی و اجتماعی پیشرفته و عادلانه و توجه به حقوق اجتماعی آحاد انسان‌ها قابل تحقق است. در واقع جامعه‌ای که نتواند با رویه منطقی و واحدی به دعوی، مشاجرات و جرایم رسیدگی کند، در آستانه حرج و مرج و ناامنی و در شرف انهدام و از هم گسیختگی قرار می‌گیرد و نمی‌تواند نقش خود را در خلق یک تمدن ماندگار به خوبی ایفا کند.

۱. باب قضا و شهادت

باب قضا به جهت کثرت احکام در کتب فقهی معمولاً مجزا از شهادت ذکر می‌شود. فقه اسلامی در این باب ضمن بیان وجوب و مشروعیت قضا،^۳ شرایط قاضی را بیان نموده و در جهت تقویت سیاسی

۱. آل عمران (۳): ۱۰۴؛ حج (۲۲): ۴۱.

۲. آل عمران (۳): ۱۱۰.

۳. ص (۳۸): ۲۶.

حکومت عادلانه، از بردن دعوا نزد حاکم جائز نهی می‌کند.^۱ از سوی دیگر علاوه بر توصیه به قضاوت به درستی^۲ و عدالت^۳ و براساس حکم الهی،^۴ بر وجوب انقیاد به حکم حاکم^۵ تأکید می‌نماید و متخاصمین را از رشوه دادن و به طمع انداختن قاضی برای تغییر حکم بر حذر داشته است.^۶ در باب شهادت نیز طریقه قضاوت و شاهد گرفتن،^۷ شرایط شاهد^۸ و وجوب شهادت به حق و حقیقت^۹ از جمله مواردی است که فقه بر آن تکیه نموده است.

۲. باب حدود و قصاص

حد زنا،^{۱۰} حد کذف^{۱۱} حد سرقت^{۱۲} و حد محاربه،^{۱۳} از حدودی هستند که قرآن تصریح نموده است، البته حاکم اسلامی در موارد لزوم می‌تواند بنا به تشخیص تعزیراتی را نیز اعمال نماید. همچنین فقه اسلامی علاوه بر ذکر فلسفه قصاص،^{۱۴} قصاص قتل عمدی نفس محترمه،^{۱۵} و جزای اخروی آن،^{۱۶} همچنین قصاص از بین بردن متعمدانه اعضا و جوارح^{۱۷} را بیان نموده است. اعمال دیه در مورد قتل خطائی،^{۱۸} و تقدیر اندازه دیه انسان در مراحل رشد^{۱۹} از جمله این احکام هستند.

اما در مواردی که فردی به دلیل نبود حاکم عادل مظلوم واقع می‌شود برای جلوگیری از

۱. نساء (۴): ۶۰.

۲. مائده (۵): ۴۸.

۳. نساء (۴): ۵۸ و ۱۰۵.

۴. مائده (۵): ۴۷ - ۴۴: انبیاء (۲۱): ۷۹ - ۷۸.

۵. نساء (۴): ۶۵: نور (۲۴): ۴۹ - ۴۸.

۶. بقره (۲): ۱۸۸.

۷. ص (۳۸): ۲۰.

۸. حجرات (۴۹): ۶.

۹. مائده (۵): ۸: نساء (۴): ۱۳۵.

۱۰. نساء (۴): ۲، ۵ و ۱۶: مائده (۵): ۴۱.

۱۱. نور (۲۴): ۵ - ۴ و ۲۳.

۱۲. مائده (۵): ۳۹ - ۳۸.

۱۳. مائده (۵): ۳۴ - ۳۳.

۱۴. بقره (۲): ۱۷۹.

۱۵. مائده (۵): ۳۲: بقره (۲): ۱۷۸: اسرا (۱۷): ۳۳.

۱۶. نساء (۴): ۱۹۳.

۱۷. مائده (۵): ۴۵.

۱۸. نساء (۴): ۹۲.

۱۹. مؤمنون (۲۳): ۱۴ - ۱۲.

شیوع ظلم و جور در جامعه اسلامی، تقاص را با نهدی از تعدی و سفارش بر عفو و گذشت^۱ جایز شمرده است.

بی‌اساس بودن ادعای گروهی از متفکران غربی مبنی بر تقابل برخی از قوانین جزائی اسلام (همچون قصاص) با حقوق بشر را به راحتی می‌توان با ستجش میزان جرم و جنایت براساس واقعیت موجود در کشورهای غربی و مقایسه آن با جوامع اسلامی، پاسخ داد. تأثیر بازدارندگی قوانین جزائی اسلام را که قرن‌ها نسبت به قوانین جزائی رایج دنیا مقدم‌تر است، این آیه پرمغز قرآن: «در قصاص برای شما حیات قرار داده شده است»^۲ گوشزد می‌کند.

۳. باب جهاد

جهاد در شریعت اسلامی شرایط ویژه‌ای دارد. اگرچه مسلمانان وظیفه دارند با بردباری،^۳ حکمت، موعظه و گفتگوی نیک، دعوت‌کننده به راه خدا باشند.^۴ در شرایطی جهاد نه‌تنها ناپسند نیست بلکه واجب است^۵ و سستی و تنبلی در آن موجب بیرون رفتن از ورطه ایمان است.^۶

هیمنه سپاه اسلام باید به‌گونه‌ای باشد که فکر تعرض دشمنان را برای آنان عقیم سازد،^۷ تا بتواند هرگونه تعدی را مقابله به مثل نماید،^۸ اینجاست که می‌نگریم پیامبری که در اوج اخلاق والای کریمه است نیز^۹ موظف به برانگیختن مؤمنین به سوی جهاد می‌گردد.^{۱۰}

البته جهاد با کیفیتی که برای آن تشریح شده است^{۱۱} نه فقط موضع سیاست خارجی اسلام را تعریف می‌کند، بلکه در مواردی مثل برقراری صلح در بین مسلمانان،^{۱۲} و جلوگیری از ارتداد^{۱۳} در بین

۱. شوری (۴۲): ۴۱ - ۴۰.

۲. بقره (۲): ۱۷۹.

۳. انفال (۸): ۳۸.

۴. نحل (۱۶): ۱۲۵.

۵. بقره (۲): ۱۹۰ و ۲۱۶؛ حج (۲۲): ۷۸؛ نساء (۴): ۷۱ و ۷۵ - ۷۴؛ توبه (۹): ۹۱ و ۱۲۱ - ۱۲۰.

۶. نساء (۴): ۹۶ - ۹۵؛ انفال (۸): ۱۶ - ۱۵.

۷. انفال (۸): ۶۰ - ۵۹.

۸. بقره (۲): ۱۹۴.

۹. قلم (۶۸): ۴.

۱۰. انفال (۸): ۶۶ - ۶۵.

۱۱. بقره (۲): ۱۹۱ و ۲۱۷؛ توبه (۹): ۲۹ و ۱۲۳؛ انفال (۸): ۷، ۵۸ - ۵۷، ۶۱ و ۷۱ - ۶۷؛ تحریم (۶۶): ۹؛ ممتحنه

(۶۰): ۱۲ - ۱۰؛ نساء (۴): ۹؛ محمد (۴۷): ۴ - ۶.

۱۲. حجرات (۴۹): ۱۰ - ۹.

۱۳. مائده (۵): ۳۵ و ۴۰؛ نحل (۱۶): ۱۰۶ - ۱۰۵.

آنها به عنوان سیاست داخلی اداره جامعه اسلامی مورد استفاده است. حکم جهاد گذشته از آثار سیاسی، پیامدهای فرهنگی بسیاری را به دنبال دارد؛ ترویج آموزش و آمادگی نظامی، القای اعتماد به نفس در بین مسلمین و استفاده از فنون و ابزار جدید^۱ از جمله آنهاست. آمادگی رزمی برای مقابله با خطر احتمالی دشمن در گسترش شاخه‌های متعددی از علوم می‌تواند تأثیر گسترده‌ای داشته باشد.

نتیجه

از مباحثی که مطرح شد می‌توان به نکات زیر اشاره نمود:

(الف) آیات فقهی قرآن به وضوح، اهتمام دین اسلام نسبت به پیشرفت فردی و اجتماعی در پرتو قانونی مدون به نام فقه اسلامی را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که بی‌شک باید گفت بسیاری از دستاوردهای تمدنی اسلام مرهون وجود همین احکام کامل و ثابتی است که از سوی پروردگار تشریح و به دست نبی مکرم اسلام صلوات الله علیه ابلاغ گردیده است.

(ب) با تقسیم‌بندی تمدن اسلامی به سه نظام فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌توان ردپای احکام فقهی را در بسترسازی تمدن اسلامی کشف کرد.

(ج) از آنجا که آیات فقهی قرآن مورد قبول همه مذاهب اسلامی است، می‌تواند فارق از هرگونه گرایش مذهبی، آثار ناشی از فقه اسلامی را در احیا و گسترش تمدن اسلامی نشان دهد.

(د) تطبیق خرده نظام‌های تمدنی با احکام و موضوعات فقه اسلامی، ارتباط وثیق و غیرقابل انکار فقه را با مؤلفه‌ها و سازه‌های این تمدن به ما می‌نمایاند.

(ه) با رصد فقه اسلامی در آیات قرآن و نگاه گذرا به آثار مستقیم و روشن احکام اسلامی و موضوعات مربوط به آن در نظام‌های تمدنی می‌توان نمایه شماره ۱ را تحت عنوان «ظرفیت‌سنجی تمدنی آیات فقهی قرآن» پیشنهاد کرد که در عین اجمال و شاید ابهام بتواند نمونه خوبی برای نگاه تطبیقی بین فقه اسلامی و تمدن باشد.

(و) اگرچه هدف این نوشته تنها نشان دادن ظرفیت تمدنی آیات فقهی قرآن بوده و به اجمال به آن پرداخته است؛ جا دارد در گام‌های بعدی به چگونگی تأثیر هر یک از آیات فقهی یا اساساً فقه بر نظام تمدنی اسلام به صورت عمیق و مستند پرداخته شود و هر باب به تفصیل مورد کاوش و پژوهش قرار گیرد.

بخش	باب	موضوعات		نظام فرهنگی	نظام سیاسی	نظام اقتصادی		
		اصولی	فرعی					
عبادات	طهارت	طهارت از حدث اصلی	وضو، تیمم، غسل	عبادت مذهبی	-	-		
		طهارت از نجاست		آداب مذهبی	نجاست مشرکین	عدم‌معامله نجاسات		
	روزه	روزه			اصل وجوب	عبادت با آثار اجتماعی		
					سنجش زمان	علم نجوم و کواکب		
	صلوات	اقامه نماز	همه نمازها	عبادت مذهبی				
			اوقات نماز	سنجش زمان	علم نجوم و کواکب			
			قبله	جهت‌یابی	علم نجوم و کواکب			
		مسجد	ساخت محراب	صنعت و هنر معماری				
			تغییر قبله	آداب مذهبی	افراز از یهودیان			
			اصل وجود	محل عبادت و تعلیم	محل قضاوت و حکومت			
			ساخت و ساز و زینت	صنعت و هنر معماری				
	حج	نماز جماعت	عبادت و آداب مذهبی	جمعیت مسلمانان				
		نماز جمعه و عید	عبادت و آداب مذهبی	خطبه‌های سیاسی				
		حج	اعمال و مناسک	عبادت با آثار اجتماعی	وحدت اسلامی			
اموال	زکات	وجوب اخراج زکات	عبادت مذهبی	اختیارات حاکم	توزیع ثروت			
	خمس	وجوب اخراج زکات	عبادت مذهبی	سهم امام	توزیع ثروت			
	مکاسب	تلاش برای رزق و روزی	عبادت با آثار اجتماعی		فقر زدایی			
	بیع	معاملات	تعالیم اخلاقی			حرمت ربا		
		حساسیت نسبت به تقدیر و اتنازه‌گیری	علم میزان					
	دین	دین	فرهنگ تعاون			حق مالکیت		
	عقود	انواع عقود و تابع	اخلاق اجتماعی			روش‌های انتقال		
		نذر	اخلاق اجتماعی			توزیع ثروت		
		عهد	اخلاق اجتماعی	بیعت با حاکم				
		یمین	اخلاق اجتماعی					
	مواریث	احکام عتق	اخلاق اجتماعی	حاکمیت اسلام		ضوابط مالی		
		وصیت	اخلاق خانواده			انتقال ثروت		
		وقف	اخلاق اجتماعی			ساخت‌آماکن عمومی		
	سلوک خاص	میراث	اخلاق خانواده			نظام اقتصادی خانواده		
امر به معروف و نهی از منکر		عبادت با آثار اجتماعی	از اختیارات حاکم		امر و نهی‌های مالی			
نکاح و فراق		اخلاق اجتماعی و خانواده			مهر نفقه، اجرت ارضاع			
سلوک عام	خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها	آداب اجتماعی			ضوابط مالی			
	جهاد	عبادت با آثار اجتماعی	وحدت و حاکمیت					
	حدود	حدود و تعزیرات	اخلاق اجتماعی	امنیت اجتماعی	تعزیرات مالی			
	قصاص	قصاص	اخلاق اجتماعی	امنیت اجتماعی	دیه			
شهادت	قضا و شهادت	علم حقوقی، اخلاق اجتماعی	امنیت اجتماعی		دعاوی مالی			
	شهادت	اخلاق اجتماعی			حرمت رشوه			

نمایه (۱): ظرفیت‌سنجی تمدنی آیات فقهی قرآن

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (صبحی صالح).
۳. آشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران، آگه، ۱۳۸۳.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ج ۳، ۱۴۱۴ ق.
۵. امام خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، قم، دار العلم، بی تا.
۶. بارتولد، واسیلی ولادیمیر، فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه عباس به‌نژاد، ویراسته مرتضی تهرانی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۳.
۷. تهانوی، محمدعلی، موسوعة کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، مکتبه ناشرون، ج ۱، ۱۹۹۶ م.
۸. جمعی از مؤلفان، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸.
۹. جناتی، محمدابراهیم، «الفقه الاسلامی الامامی، نشأت، عوامل تطوره، ادواره»، نشریه الفكر الاسلامی، ۱۳۷۳، ش ۵، ص ۴۶ - ۳۱.
۱۰. روح الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران، عطار، ج ۵، ۱۳۷۹.
۱۱. زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر، ج ۱۴، ۱۳۸۹.
۱۲. سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۳، ۱۳۷۳.
۱۳. شایان‌مهر، علیرضا، دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.
۱۴. صدر، محمدباقر، الفتاوی الواضحه، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. صلیبا، جمیل، فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران، حکمت، ج ۱، ۱۳۶۶.
۱۶. عسگری، ابی هلال حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۴۱۰ ق.
۱۷. فاضل مقداد، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ج ۱، ۱۴۱۹ ق.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی مخزومی، ابراهیم السامرائی، قم، دار الهجره، ۱۴۰۵ ق.
۱۹. قزلسلفی، محمدتقی، «هنر و سیاست»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ۱۳۸۲، س ۳، ش ۱۰ - ۹، ص ۲۳۴ - ۲۱۳.

درآمدی بر ظرفیت‌سنجی تمدنی آیات فقهی قرآن □ ۳۳

۲۰. کرمی فهی، محمدتقی و جمعی از نویسندگان، جستاری نظری در باب تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۶.

۲۱. لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران، افراسیاب، ۱۳۷۸.

۲۲. مدرسی طباطبایی، حسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، کلیات و کتاب‌شناسی، ترجمه محمدآصف فکرت، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.

۲۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

۲۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۳، قم، صدرا، ۱۳۷۷.

۲۵. وبگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی (www.irdc.ir)





شپښگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني